



فصلنامه علمی- پژوهشی اخلاق پژوهی

سال ششم • شماره دوم • تابستان ۱۴۰۲

Quarterly Journal of Moral Studies
Vol. 6, No. 2, Summer 2023



واکاوی نظام اخلاقی قرآن

با تکیه بر مفاهیم «اسلام» و «ایمان» در تفسیر المیزان

یاسر دلشاد* | محمدجواد عنایتی‌راد**

doi 10.22034/ethics.2024.50804.1607

چکیده

شناسایی نظام اخلاقی قرآن به مثابه راهنمای نگرش و کنش، پیوسته مورد توجه اندیشوران مسلمان بوده است. تلاش‌های فراوانی برای شناسایی نظام اخلاقی قرآن به صورت تک‌نگاشته به رشته تحریر درآمده است، اما به نظر می‌رسد نگاه تک‌بعدی به آیات و بسنده کردن به یک نظریه اخلاقی در اخلاق هنجاری - برای تبیین نظام اخلاقی قرآن - نادرست است. مطالعه پیش رو، در صدد بازخوانی نظام اخلاقی قرآن با روش توصیف و تحلیل نقادانه است و می‌کوشد تبیین روشن و دقیق‌تری از نظام اخلاقی قرآن بدست دهد. در این راستا، ضمن توصیف نظریه‌های اخلاقی (غایت‌گروی، وظیفه‌گروی، فضیلت‌محوری) و تحلیل عقلانی هر کدام، به سنجش آنها با آیات قرآن کریم پرداخته است. مطابق نتایج حاصله، با توجه به مفاهیم تشکیکی و چهارگانه واژه‌های «اسلام» و «ایمان» در قرآن کریم، آدمی با سطوح مختلف معرفتی و انگیزشی در هر سطح، نیازمند تمسک به یکی از نظریه‌های اخلاقی است. افزون بر این، قرآن کریم، ضمن بهره‌گیری از نظریه‌های اخلاقی، از مراتب والاتر از ارزش‌های اخلاقی ویژه خود بهره‌مند است.

کلیدواژه‌ها

نظریه‌های اخلاقی، ارزش‌های اخلاقی، بازخوانی اخلاق، اسلام، ایمان.

* دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. | delshad.yaser@mail.um.ac.ir

** استادیار دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. (نویسنده مسئول) | enayati-m@um.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۱۷ □ تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۰۴/۰۵

■ دلشاد، یاسر؛ عنایتی‌راد، محمدجواد. (۱۴۰۲). واکاوی نظام اخلاقی قرآن با تکیه بر مفاهیم «اسلام» و «ایمان» در تفسیر المیزان. فصلنامه اخلاق پژوهی. ۱۹(۶)، ۹۴-۶۹. doi: 10.22034/ethics.2024.50804.1607

مقدمه

نظریه‌های مختلفی در اخلاق هنجاری^۱ ارائه شده است که می‌توان آنها را در نظریه‌های غایت‌گرا^۲ که شامل (خودگروی^۳، دیگرگروی^۴، فایده‌گروی^۵) و وظیفه‌گرا^۶ و فضیلت‌گرا^۷ تقسیم‌بندی کرد. فاعل اخلاقی با تمسک به این دست از نظریه‌ها، وظیفه اخلاقی خود را شناسایی و اختیار می‌کند. از سوی دیگر، استنباط نظام اخلاقی قرآن و چگونگی دست‌یابی به آن، پیوسته توجه دانشمندان مسلمان را به خود جلب کرده است. در این رابطه، پژوهش‌های اخلاقی در قرآن بیشتر معطوف به بررسی مستقل هر یک از نظریه‌های اخلاقی در آیات قرآن است. این دست از مطالعات در صدد آنند که نظام اخلاقی قرآن را با مفاد یکی از نظریه‌های اخلاقی تبیین کنند.

توجه به این نکته ضروری است که هر فرد با توجه به استعداد، ظرفیت و انگیزه ویژه خود، گام در مسیر رشد و تعالی می‌نهد و سعی در اخلاقی شدن دارد. مفاهیم اسلام و ایمان در قرآن که بیانگر سطوح و مراتب این مفاهیم در افراد است، اشاره به همین استعدادهای متنوع آدمی دارند. هر فرد با بهره‌مندی از ظرفیت‌ها و سطوح گوناگون ادراکی و انگیزشی، اسلام و ایمان مربوط به خود را داراست و به دنبال نظریه اخلاقی متناسب با حالات خویش است. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان ضمن آن که مفاهیم «اسلام» و «ایمان» را تشکیکی می‌داند، از چهار سطح آن نام می‌برد.

حال، مطالعه پیش رو در صدد پاسخ به این پرسش است که آیا نظریه اخلاقی قرآن منحصر در نظریه‌های اخلاقی در اخلاق هنجاری می‌شود یا فراتر از آن است؟ در این راستا، پژوهش حاضر با تبیین، تحلیل و ارزیابی نقادانه در پی آن است که با طرح نظریه‌های اخلاقی، به نقد و بررسی عقلانی آنها پرداخته و نظریه‌های مزبور را با آیات قرآن بررسی کند تا سیمای روشنی از نظریه اخلاقی قرآن فراهم آید.

پیشینه پژوهش

پژوهش حاضر، موضوعی نوپدید است که سابقه چندانی در پژوهش‌های عرضه شده در

1. normative theory
2. teleological
3. ethical egoism
4. altruism
5. utilitarianism
6. deontologism
7. virtue ethics



۷۰

فصلنامه علمی - پژوهشی اخلاق پژوهی

سال ششم

شماره دوم

تابستان ۱۴۰۲

مطالعات قرآنی ندارد. با این وجود، تک‌نگاشته‌هایی در باب تطبیق نظریه‌های اخلاقی در قرآن به رشته تحریر درآمده است. برخی از تک‌نگاشته‌ها با موضوع بررسی نظریه‌های اخلاقی با معارف قرآن برای فهم بهتر نظام اخلاقی قرآن طرح و بررسی شده است که می‌توان به برخی از مقالات در این موضوع اشاره کرد.

مقاله «نظریه خودگرایی اخلاقی از دیدگاه قرآن»^۱ در صدد است که نظریه اخلاقی قرآن را غایت‌گروانه انگاشته و با خودگرایی اخلاقی سازگار نشان دهد. مقاله «دیگرگرایی اخلاقی: منظری قرآنی»^۲ به برخی از آیات این باب اشاره دارد، اما تأکید می‌کند که نظریه اخلاقی قرآن به دیگرگرایی اخلاقی محدود نیست و نیاز به دیدگاه جامع نسبت به تمام آیات می‌باشد.

مقاله «نظریه برین سودگرایی در اخلاق و تطبیق آن با نظریه سودگرایی رایج»^۳ با توسعه مفهوم سود، سعی در آن دارد که سود آخروی را در تعریف نظریه سودگرایی جای دهد. پیرامون موضوع وظیفه‌گرایی اخلاقی نویسنده مقاله «بررسی انتقادی غایت‌گرایی اخلاقی به مثابه نظریه هنجاری قرآن»^۴ با نقد و تحلیل دیدگاه غایت‌گرایی در قرآن، نظام اخلاقی قرآن را نزدیک به نظریه وظیفه‌گرایی اخلاقی نشان می‌دهد.

مقاله «تبیین و حیانی از اخلاق فضیلت به روایت قرآن کریم»^۵ نظام اخلاقی قرآن را بر پایه ارزش‌های ذاتی معرفی کرده و آن را ابزاری برای دست‌یابی به سعادت حقیقی و قُرب الهی می‌داند. افزون بر آن کتاب فلسفه اخلاق در دایره عقل و دین - نگاشته دکتر هادی صادقی - قرابت موضوعی با پژوهش حاضر دارد.

اما نوآوری مقاله این است که نشان می‌دهد: اولاً، انطباق آیات قرآن با نظریه‌های اخلاقی در اخلاق هنجاری با پاره‌ای از مشکلات مواجه است. ثانیاً، پایه ارزش‌های اخلاقی در قرآن بر حُسن و قُبْح ذاتی استوار است و مفاهیم قُرب الهی، کمال‌گرایی و وصول به فوز و فلاح از حُسن و قُبْح ذاتی در قرآن نشئت می‌گیرد. ثالثاً، توجه به مفاهیم تشکیکی اسلام و ایمان و ارتباط

۱. حسینی‌رامندی، علی اکبر. (۱۳۹۹). نظریه خودگرایی اخلاقی از دیدگاه قرآن. فصلنامه پژوهش‌های قرآنی. ش ۱.
۲. صادقی، هادی؛ خوانساری، محمد امین. (۱۳۹۵). دیگرگرایی اخلاقی: منظری قرآنی. پژوهش‌نامه اخلاق. ش ۳۲.
۳. نصیری، منصور. (۱۳۸۹). نظریه برین سودگرایی در اخلاق و تطبیق آن با نظریه سودگرایی رایج. پژوهش‌نامه اخلاق. ش ۹.
۴. آل‌بویه، علیرضا. (۱۴۰۰). بررسی انتقادی غایت‌گرایی اخلاقی به مثابه نظریه هنجاری قرآن. قرآن‌شناخت. ش ۱.
۵. دهقانی فیروزآبادی، وحید؛ علیزاده، مهدی. (۱۳۹۸). تبیین و حیانی از اخلاق فضیلت به روایت قرآن کریم. فصلنامه اخلاق و حیانی. ش ۱.



آن در استنباط نظام اخلاقی قرآن، از مهم‌ترین دستاوردهای این پژوهش است.

مبانی نظری مفاهیم تشکیکی اسلام و ایمان

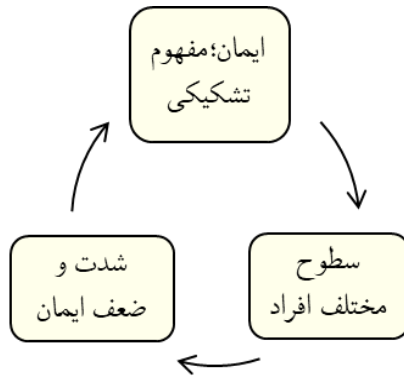
همان‌طور که در مقدمه بیان شد، انسان‌ها با توجه به ظرفیت وجودی متعدد از ایمان و باور یکسان برخوردار نیستند و در مقام ارائه و پذیرش ملاک فعل اخلاقی بر یک نظریه اخلاقی در اخلاق هنجاری وفاق ندارند. بر این اساس، به دلیل وجود تفاوت‌های ادراکی، معرفتی، انگیزشی و هم‌چنین تمایز استعداد‌های بشری، آموزه‌های قرآن از مراتب اسلام و ایمان سخن می‌راند و می‌توان گفت واژگان اسلام و ایمان از مفاهیم تشکیکی و ذومراتب قرآن است. با رشد معرفت و ارتقای معنوی در فرد، دستیابی به مراتب و درجات مختلف اسلام و ایمان فراهم می‌آید. بر این پایه، علامه طباطبایی معتقد است؛ چهار رتبه اساسی برای مفهوم اسلام و ایمان قابل شناسایی است. وفق نظر ایشان در هر مرتبه‌ای از اسلام، ایمان مخصوص آن رتبه پدیدار می‌شود. مراتب مذکور بدین شکل است: اسلام و ایمان رتبه اول، اسلام و ایمان رتبه دوم، اسلام و ایمان رتبه سوم و اسلام و ایمان رتبه چهارم (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۵۵).

در ذیل پس از تعریف اختصاری واژه «اسلام»، به بررسی اجمالی مقومات واژه ایمان پرداخته شده تا تبیین دقیق‌تری از مفاهیم تشکیکی اسلام و ایمان ترسیم شود.

۱. مروری گذرا بر واژه اسلام: یکی از بحث برانگیزترین مفاهیم در مطالعات دینی به ویژه پژوهش‌های قرآنی و اکاوی ماده اسلام است. واژه اسلام از سلم به معنای درستی و تندرستی و آسایش است (ابن فارس، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۶۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۲، ص ۲۸۹). انقیاد و سرسپردگی از دیگر معانی واژه اسلام است (ابن فارس، ۱۴۲۳، ج ۳، ص ۶۸) به تعبیر دقیق‌تر، اسلام به معنای مطلق سرسپردگی و نمایش کُرنش است؛ زیرا فرد در این حالت از سرکشی و نافرمانی که نوعی آسیب و تباهی به شمار می‌آید، تهی است.

۲. شالوده واژه ایمان: از دید علامه طباطبایی (ره) مقومات واژه ایمان، در سه محور عمده قابل طرح است: الف) علم و آگاهی نسبت به متعلق ایمان؛ ب) سکون و آرامش برآمده از متعلق ایمان؛ ج) التزام عملی نسبت به آن. او با نگاه طیفی به مقوله علم و عمل، مفاهیم مذکور را تشکیکی و نه متواپی می‌داند. لازمه پذیرش چنین امری، توجه به برخورداری افراد از سطوح ادراکی متعدد، شدت و ضعف ایمان در وجود آدمی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۸۸).





نمودار شماره ۱

نظریه‌های اخلاقی

در جستار حاضر، نظریه‌های اخلاقی نظیر خودگروی اخلاقی، دیگرگروی اخلاقی، فایده‌گروی اخلاقی، وظیفه‌گروی اخلاقی و اخلاق فضیلت، به ترتیب طرح و بررسی شده است.

خودگروی اخلاقی

سه نظریه اساسی در باب ملاک ارزش عمل اخلاقی در اخلاق هنجاری^۱ طرح شده است: ۱. غایت‌گروی اخلاقی؛^۲ ۲. وظیفه‌گروی اخلاقی؛^۳ ۳. اخلاق فضیلت.^۴ خودگروی اخلاقی^۵ که در زمره نظریه‌های غایت‌گروانه جای دارد، ملاک ارزش اخلاقی را نیل به خیر و سود فاعل اخلاقی می‌انگارد (فرانکنا، ۱۳۸۰، ص ۴۶؛ پالمر، ۱۳۸۸، ص ۶۷؛ هولمز، ۱۳۸۲، ص ۶۵). خودگروی اخلاقی در دو حیطه مجزاً تقسیم‌بندی می‌شود؛ الف) خودگروی روان‌شناختی؛^۶ در این رویکرد باور آن است، سرشت انسان به گونه‌ای تکوین یافته است که پیوسته به دنبال منافع خویش است (فرانکنا، ۱۳۸۰، ص ۵۸؛ پالمر، ۱۳۸۸، ص ۷۱). ب) خودگروی اخلاقی؛ در این برداشت، آدمی باید به لحاظ ارزیابی عقلی، همواره در صدد منافع خویش باشد (ریچلز، ۱۳۸۹، ص ۹۷).

1. normative theory
2. teleological
3. deontology
4. virtue ethics
5. ethical egoism
6. psychological egoism



شواهد قرآنی خودگرویی اخلاقی^۱

در این بخش، مهم‌ترین شواهد قرآنی خودگرویی اخلاقی آمده است:

۱. بازگشت نتایج فعل به فاعل: به گفته برخی از اندیشوران، مطابق آیات قرآن، آدمی پیوسته در پی منافع خویش است و از همین رو، می‌توان آیات با مضمون بازگشت نتایج اعمال به فاعل اخلاقی را از این زاویه تبیین کرد. آیات در ۲۰ مورد با تعابیر (لِنَفْسِهِ)، (فَلِنَفْسِهِ)، (لِأَنْفُسِهِمْ)، (لَهَا) و (عَلَيْهَا) و ۶۷ بار از واژه «کسب» و مشتقات آن یاد کرده است.
۲. نتیجه‌گرویی اخلاقی: برای توجیه نتیجه‌گرویی در قرآن، می‌توان به این قبیل آیات نظر افکند، نظیر: پاداش دنیوی و اُخروی (سوره عنکبوت، آیه ۷)، سعادت و نیک‌بختی (سوره هود، آیه ۱۰۵)، آسایش و اطمینان (سوره رعد، آیه ۲۸)، فلاح و رستگاری (سوره بقره، آیه ۵)، فوز (سوره نساء، آیه ۷۳) و نیز برای اعمال ناشایست، پیامدها و مجازاتی نظیر: شقاوت (سوره هود، آیه ۱۰۷)، ناامنی (سوره حج، آیه ۳۱)، جهنم و جحیم و سقر (سوره آل عمران، آیه ۱۲).
۳. بشارت و انداز: واژه بشارت و انداز و مشتقات آنها به ترتیب ۱۲۳ و ۱۳۰ بار در قرآن آمده است.
۴. ویژگی‌های قیامت: مطابق آیات ۱۱ الی ۱۴ سوره معارج، آدمی در روز قیامت برای رهایی از عذاب، تمایل دارد هر آن چه غیر از خود را فدا کند.
۵. کمال‌جویی: مفهوم کمال در آموزه‌های دینی، از دیگر مؤلفه‌های مؤثر در اثبات نظریه خودگرویی اخلاقی است؛ زیرا میان فعل اخلاقی و تکامل فاعل فعل، رابطه تکوینی و علی وجود دارد.

اشکال‌های خودگرویی اخلاقی

در ابتدا به ذکر چند نکته مهم در مسئله پرداخته و در ادامه، اشکال‌های قرآنی طرح شده است. فارغ از اشکال‌های رایج در باب خودگرویی اخلاقی^۲، در ذیل به قدر ضرورت به چند نکته اساسی اشاره می‌شود:

۱. اگر نحوه ایجاد و تکوین انسان صرفاً مبتنی بر خودگرویی روان‌شناختی است، توصیه به

۱. شواهد قرآنی خودگرویی اخلاقی برگرفته از مقاله «نظریه خودگرویی اخلاقی از دیدگاه قرآن»، سید علی اکبر حسینی رامندی، است.

۲. برای مطالعه بیشتر، نک: صادقی و پاشایی، ۱۳۹۷، ص ۱۳.

خودگروی اخلاقی چه معنای محصلی دارد؟ به نظر می‌رسد در این فرض، توصیه به خودگروی لغو و بی‌معنا است.

۲. در صورت پذیرش خودگروی روان‌شناختی، نظریه دیگرگروی و سودگروی با چالش جدی روبه‌رو است.

۳. در سرشت انسان نیز مفاهیمی نظیر نیک‌خواهی، مهرورزی، ایثار و شفقت نهفته است.

۴. آدمی، افعال فضیلت‌مندانه توسط هر فرد با هر باوری را می‌ستاید. این مهم حاکی از آن است که در ارزش اخلاقی همواره سود فرد، مطمح نظر نیست.

۶. در تراحمات اخلاقی، خودگروی اخلاقی قاعده‌نگر با تعارض درونی مواجه است.

اشکال‌های قرآنی به خودگروی اخلاقی

از منظر آموزه‌های قرآن، خودگروی اخلاقی با چالش‌های جدی روبه‌رو است. چالش‌های مذکور عبارتند از:

عدم مطابقت با حُسن و قُبُح از منظر قرآن: نظریه‌های غایت‌گروانه و از جمله خودگروی اخلاقی، به حُسن و قُبُح ذاتی اعمال بی‌اعتنا هستند. به دید غایت‌گروان، ملاک ارزش اخلاقی اعمال، منوط به نتیجه و پیامد فعل است. باور به این مطلب، به معنای پذیرش حُسن و قُبُح غیري در اعمال است. در صورتی که یکی از لوازم لاینفک اطلاق گزاره‌های خوب و بد اخلاقی در قرآن، پذیرش حُسن و قُبُح ذاتی است.

حال می‌توان گفت، تمسک به خوب و بد گزاره‌های اخلاقی از منظر قرآن، سبب تکوین برخی صفات نیک و بد واقعی در وجود آدمی است و به تبع، این صفات نفسانی آفرینش‌گر رفتارهای پسندیده یا ناپسند است. از این رو، در قرآن، قضاوت اخلاقی در باب رفتارهای متناسب با هر صفت به نحو اطلاق صورت می‌گیرد. به دیگر سخن، اتصاف به خوبی و بدی در جان آدمی، برآیند اطلاق ارزش‌های اخلاقی مثبتی بر حُسن و قُبُح ذاتی اعمال است.

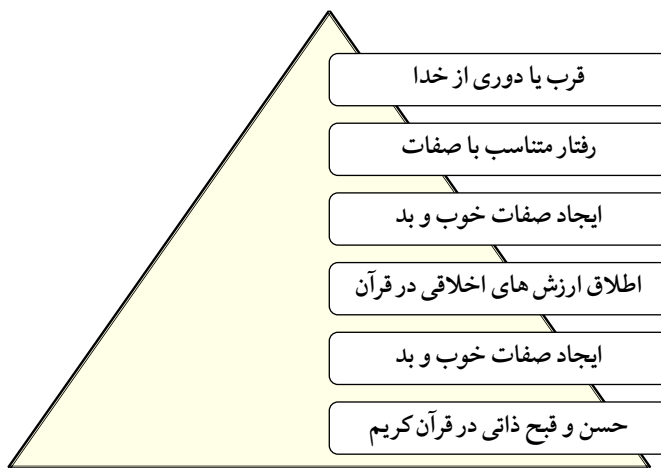
با این تحلیل، باور آن است که فرد مؤمن با کاربست ارزش‌های اخلاقی قرآن، به قُرب وجودی با خداوند دست می‌یابد. البته، ناگفته نماند که قُرب به خداوند در قرآن با تعبیر گوناگون آمده است؛ نظیر قُرب (سوره مائده، آیه ۲۷؛ سوره سبأ، آیه ۳۷؛ سوره توبه، آیه ۹۹؛ سوره واقعه، آیه ۱۱)، طلب وجه الله (سوره رعد، آیه ۲۲؛ سوره بقره، آیه ۷۲. سوره روم، آیه ۳۸؛ سوره انسان، آیه ۹؛ سوره لیل، آیه ۲۰؛ سوره انعام، آیه ۵۲؛ سوره کهف، آیه ۲۸)، عندیت (سوره قمر، آیه ۵۵؛ سوره آل عمران، آیه ۱۵؛ سوره انعام، آیه ۱۲۷)، لقاء الله



(سوره عنكبوت، آیه ۵؛ سوره كهف، آیه ۱۱۰) و مقام محمود (سوره اسراء، آیه ۷۹).

بنابراین، لازمه انکار حُسن و قُبْح ذاتی در قرآن در سه نکته دنبال می‌شود، الف) ضرورت رجوع به شریعت برای درک تمام احکام اخلاقی حتی در آن دست از مسائلی نظیر ایمان، اطاعت و سپاس‌مندی از خداوند، که به نظر با رویکرد هستی‌شناختی مُقدم بر باور و عقیده آدمی است. در صورتی که اصل ایمان، ضرورت سپاس‌مندی و لزوم اطاعت از خداوند، با حکم اخلاقی و عقلی قابل شناسایی است. ب) درباره افعال الهی این سؤال طرح می‌شود که خوبی افعال الهی چگونه توجیه‌پذیر است؟ اگر مفهوم کمال یا هر مفهوم دیگری برای خداوند در نظر گرفته شود، باطل و غیرموجه می‌نماید، اما در صورت پذیرش حُسن و قُبْح ذاتی در ارزش‌های اخلاقی، توجیه افعال الهی به سهولت قابل پذیرش است. ج) نظریه‌های غایت‌گروانه بیانگر آن است که برای درک مفهوم خوبی نیازمند طرح سؤال به صورت تسلسلی هستیم. برای نمونه، اگر مفهوم کمال در خوبی ارزش اخلاقی لحاظ شود، به نظر می‌رسد باید دوباره از خوبی کمال سؤال کرد و این امر منجر به تسلسل در سؤال می‌شود (نک: کربلایی پازوکی و موسوی‌راد، ۱۴۰۱).

به واقع، از دیدگاه قرآن خداوند به تمام باورمندان توصیه می‌کند که خود را آراسته به هنجارها و ارزش‌های اخلاقی بنمایند. آدمی با آراستگی به خوبی‌ها و دوری گزیدن از بدی‌ها در مسیر کمال وجودی و قُرب به خداوند قدم برمی‌دارد. به واقع، می‌توان گفت که آموزه‌های دینی به انسان تذکر می‌دهد که آدمی در تمام ابعاد وجودی به خداوند نیازمند است و باید با فضایل اخلاقی و دوری از رذائل اخلاقی، در پی رضایت الهی و قُرب به او برآید.



نمودار شماره ۲



۷۶

بازگشت نتایج فعل به فاعل اخلاقی: بازگشت تکوینی نتایج فعل به فاعل اخلاقی، ارتباطی با مسئله تعیین ملاک در نظریه خودگروی اخلاقی ندارد. در آیات مذکور، خداوند با تصویرگری رابطه تکوینی اعمال با صورت ملکوتی آن، در صدد ترغیب مؤمنان به اعمال صحیح و اجتناب از اعمال نادرست است.

به علاوه در ادامه آیات مذکور، خداوند در مقام تعلیل از ظالم نبودن خویش یاد می‌کند (سوره بقره، آیه ۲۸۱؛ سوره آل عمران، آیه ۲۵ و ۱۶۱؛ سوره فصلت، آیه ۴۶؛ سوره جاثیه، آیه ۲۲)، درک مفهوم ظلم و سلب آن از ساحت ربوبی، در صورتی موجه می‌نماید که مفهوم ظلم مبتنی بر حُسن و قُبْح ذاتی افعال، تحلیل شود، در غیر این صورت، هیچ برداشت اولیه‌ای نمی‌توان از واژه ظلم بدست داد. افزون بر این، با توجه به مطالب نقد نخست، تجسم اعمال با حُسن و قُبْح ذاتی و نظریه وظیفه‌گروی اخلاقی نزدیک است؛ نه با خودگروی اخلاقی.

خلط میان خودگروی روان‌شناختی با خودگروی اخلاقی: در باب شواهد مورد ۲ الی ۴، ادعا آن است که سرشت انسان به گونه‌ای است که پیوسته در پی جلب منافع خویش است و خداوند ناظر به طبیعت انسان، از نتایج و پیامد اعمال یاد می‌کند و به عبارتی، شواهد مزبور پرده از خودگروی اخلاقی برمی‌دارد، اما به نظر می‌رسد، خودگروی روان‌شناختی که مبنای خودگروی اخلاقی است، ارتباطی با فلسفه اخلاق ندارد. به تقریر دقیق‌تر، در خودگروی روان‌شناختی محور بحث بیشتر حول بررسی و کاوش پیرامون چیستی انسان و مطالعه روان اوست و نسبتی با تعیین ملاک در ارزش‌های اخلاقی ندارد. از این‌رو، اساساً بسندگی به خودگروی اخلاقی که مبتنی بر خودگروی روان‌شناختی است، برای توجیه نظام اخلاق قرآنی صحیح نمی‌نماید.

کمال‌گروی: به نظر می‌رسد، کمال‌گروی برپایه خودگروی روان‌شناختی، ارتباطی با نظریه خودگروی اخلاقی ندارد. با تدقیق در مفهوم کمال آشکار می‌شود که کمال‌گروی با بحث حُسن و قُبْح ذاتی و نظریه وظیفه‌گرایی نزدیک است. با این توضیح که برای نیل به کمال و سعادت، باید نفس آدمی با فضایل اخلاقی آراسته شود. باور آن است که فضایل و رذائل اخلاقی بر پایه حُسن و قُبْح ذاتی استوار است. با تمسک به ارزش‌های اخلاقی، نفس آدمی ارتقاء می‌یابد و به تدریج، پذیرای کمال و سعادت ویژه خود می‌گردد.

با این همه، برخی از اندیشوران براین باورند که تیت فاعل اخلاقی نقش بنیادین در مطلوبیت عمل دارد، بدین صورت که معنای حُسن و قُبْح با اضافه شدن فعل به انگیزه فاعل اخلاقی آشکار می‌شود (صدر، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۹).



دیگرگروی اخلاقی

در دیگرگروی^۱، ارزش اخلاقی عمل در بیشینه خیر و منفعت یا کمینه شر و آسیب به دیگران می‌شود (فرانکنا، ۱۳۸۹، ص ۴۵-۴۹). در این نظریه، تأکید افزون بر مفاهیم ارزشی مانند احسان، ایثار، محبت در قبال دیگران است. ارکان نظریه دیگرگروی بر سعادت، رفاه، ارتقای منافع و به‌زیستی دیگر افراد استوار است (موحدی، ۱۳۹۸، ص ۱۶) در نتیجه، از منظر دیگرگروان، فعل صحیح آن است که سود و فایده عمل در قبال دیگر افراد مد نظر قرار گیرد، تا جایی که به گفته نیگل، دیگرگزینی شرط عقلانیت است (نیگل، ۱۳۹۵، ص ۴۷).

شواهد قرآنی دیگرگروی

شواهد قرآنی دیگرگروی تعداد کمتری از آیات را به خود اختصاص داده است. در آیه ۳۶ سوره نساء^۲، امر به مطلق رفتار نیکو با دیگران لحاظ شده و مقید به منافع شخصی نیست. مطلق عدالت‌ورزی و احسان به عنوان مفاهیم ارزشی آیات قرآن، پیوسته مورد تأکید است.^۳ علامه طباطبایی با توجه به سیاق آیه ۹۰ سوره نحل، مفهوم عدالت را به معنای عدالت اجتماعی می‌داند: «با هر یک از افراد جامعه باید به گونه‌ای رفتار شود که مستحق و سزاوار آن است». در آیه ۷۷ سوره قصص^۴، خداوند به احسان نسبت به دیگران سفارش می‌کند. در منظومه آیات قرآن، احسان و نیکوکاری در رتبه بالاتری نسبت به عدل قرار دارد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۲، ص ۳۳۰). در آیه مذکور، احسان الهی در قبال انسان، بدون سابقه قبل و به صورت ابتدایی معرفی می‌شود. با توجه به این مطلب، رفتار اجتماعی انسان نظیر فعل الهی، باید در چارچوب رفتار محسنانه جای گیرد. نکته مهم آن است که در این آیه، میان خودگروی و دیگرگروی اخلاقی جمع



۷۸

فصلنامه علمی - پژوهشی اخلاق پژوهی | سال ششم | شماره دوم | تابستان ۱۴۰۲

1. altruism

۲. «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَلًا فَخُورًا» (سوره نساء، آیه ۳۶).
۳. «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُم لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (سوره نحل، آیه ۹۰).
۴. «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنَ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ» (سوره قصص، آیه ۷۷).

شده است.

هم‌چنین، در آیه ۹ سوره حشر^۱ ارکان دیگرگروی وجود دارد که شامل؛ نادیده گرفتن سود شخصی و اولویت دادن به سود دیگری از روی مهرورزی (صادقی، ۱۳۹۷، ص ۱۵۸). در آیه ۲۶۷ سوره بقره^۲ توصیه به انفاق از بهترین دارایی فرد، محور آیه است (صادقی، ۱۳۹۷، ص ۱۶۱). در این راستا توجه به آداب ظاهری و تبت باطنی در افعال دیگرگروانه مانند انفاق بسیار مهم است (سوره بقره، آیه ۲۶۲). هم‌چنین می‌توان مجموعه آیات با مضمون امر به معروف و نهی از منکر را در ذیل شواهد آیات دیگرگروانه یاد کرد.

اشکال‌های دیگرگروی اخلاقی

در ابتدا به ذکر اشکال‌های مرسوم دیگرگروی و نقد و بررسی آن پرداخته و در ادامه، به اشکال‌های قرآنی دیگرگروی اشاره شده است. اشکال‌های رایج در مسئله:

۱. تمسک به نظریه دیگرگروی، سبب غفلت از خیر فردی می‌شود (حب ذات).

۲. تأمین خیر دیگران مستلزم آگاهی کامل از خیر آنها است و این مهم قابل دستیابی نیست.

۳. توجه به جنبه احساسی دیگرگرایی. با این توضیح که برخی اندیشمندان قائل‌اند که در حیطه اخلاق، با نظر به احساسات آدمی نمی‌توان ملاک ارزش اخلاقی بدست داد و صرفاً باید ارزش عمل را در دایره عقلانیت جست‌وجو کرد.

در پاسخ نقد اول، باید گفت که می‌توان در نظریه اخلاقی دیگرگرا بود، اما خیر فردی را هم در نظر گرفت. در برخی از موارد فرد با کمک و ایثار به دیگران، در گامی فراتر در پی ایجاد حال مطلوب در وجود خویش است. در غیر این صورت، اگر چنین امکانی فراهم نیاید، با شهودات انسانی در تافی خواهد بود و آدمی جمع میان این دو را ممکن می‌داند.

هم‌چنین، در پاسخ نقد دوم، لازم به ذکر است که به نظر ضرورتی برای کسب آگاهی کامل از خیر دیگران نه‌تنها وجود ندارد، بلکه در واقع، ممکن نیست. لازمه بکارگیری عقل و عقلانیت آن

۱. «وَالَّذِينَ تَبَوَّأُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (سوره حشر، آیه ۹).

۲. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا مِنْ طَبَائِعِ مَا كَسَبْتُمْ...» (سوره بقره، آیه ۲۶۷).



است که خیر عمومی افراد در نظر گرفته شود؛ نه خیر و منفعت جزئی. افزون بر این، در پاسخ نقد سوم باید توجه داشت که همواره دیگرگروی منوط به احساسات آدمی نیست و گاه، عقلانیت اقتضای حکم به دیگرگروی دارد.

اشکال‌های قرآنی دیگرگروی

۱. نظریه‌های غایت‌گروانه از جمله نظریه دیگرگروی اخلاقی، نسبتی با حُسن و قُبُح ذاتی در ارزش‌های اخلاقی ندارد. در صورتی که در پاسخ نقد اول خودگروی اخلاقی از منظر قرآن، ضرورت باور به حُسن و قُبُح ذاتی در قرآن روشن شد.
۲. اصولاً توصیه‌های دیگرگروانه قرآن در صدد تشویق مؤمنان به کارهای پسندیده است و در پی ارائه ملاک در ارزش‌های اخلاقی نیست.
۳. انگیزش اخلاقی در قرآن صرفاً به دیگرگروی خلاصه نشده و مجموع آیات از عوامل انگیزشی متعدد، بهره‌برده است. انگیزش قرآنی، حاوی مجموعی از مدل‌های مختلف انگیزشی شامل؛ خودگروی، دیگرگروی، سودگروی، وظیفه‌گروی و فضیلت‌گروی است.
۴. شیوه تربیتی قرآن آن است که باور افراد به تدریج در طی مراحل، از سطوح پایین آغاز و گام به گام با طی مراحل چهارگانه ایمان، رشد و نمو می‌یابد. لازمه هر مرحله از ایمان، اعمال اخلاقی مخصوص به خود است.

فایده‌گروی اخلاقی

فایده‌گروی^۱ بر نتیجه و پیامد عمل به عنوان ملاک ارزش اخلاقی تأکید دارد. به بیان رساتر، در فایده‌گروی، بر پایه نتایج یک فعل قضاوت اخلاقی سامان می‌یابد (پالمر، ۱۳۸۸، ص ۱۲۵؛ کاپالدی، ۱۳۸۳، ص ۹۵). مبنای نظریه مزبور، ریشه در دو اصل بنیادین در مسئله است: الف) بیشترین سود برای بیشترین افراد؛ ب) عدم توجه به نقش فاعل اخلاقی (هولمز، ۱۳۸۲، ص ۶۴). فایده‌گرایی در فلسفه اخلاق به دو نوع فایده‌گرایان عمل محور^۲ و فایده‌گرایان قاعده‌محور^۳ تقسیم می‌شود. در این

1. utilitarianism
2. act utilitarians
3. rule utilitarians



میان، فایده‌گروی قاعده‌محور طرفداران بیشتری را به خود اختصاص داده است (فرانکنا، ۱۳۸۰، ص ۸۹).

شواهد قرآنی فایده‌گروی اخلاقی

شواهد قرآنی فایده‌گروی بسیار نادر است، اما در این مجال، به قدر ضرورت به برخی از آیات موهیم نظریه مزبور اشاره می‌شود. در این راستا، آیات با خطابات عمومی و همگانی با لحاظ منفعت جمعی را می‌توان از زاویه فایده‌گروی نگریست (صادقی، ۱۳۹۷، ص ۱۶۳). برای نمونه، در آیه ۷ سوره حشر، پیامد بکارگیری برنامه اقتصادی قرآن، دستیابی به بیشینه سود برای بیشترین افراد و یا توجه به منافع عموم و نه منفعت افراد خاص است.^۱ هم‌چنین در آیه ۱۷۹ سوره بقره، لازمه حکم قصاص کسب بیشترین سود برای بیشترین افراد معرفی می‌شود.^۲ حکم قصاص بیش از آن‌که به منفعت شخصی بپردازد، منافع عموم جامعه‌ی اسلامی را در نظر دارد. با این همه، ناگفته نماند که آیات الاحکام در قرآن همراه و هم‌سنگ گزاره‌های اخلاقی است و تمایزی میان این دو عرصه علمی نمایان نیست.



اشکال‌های فایده‌گروی اخلاقی

در این بخش پس از طرح ایرادات فایده‌گروی اخلاقی به نقد و بررسی آن از منظر قرآن پرداخته و در ادامه، به ذکر نکات اساسی بحث، اشاره شده است.

اشکال‌های فایده‌گروی اخلاقی: (۱) غفلت از احکام فردی؛ (۲) غفلت از نیت و منش فاعل اخلاقی (هولمز، ۱۳۸۲، ص ۵۴)؛ (۳) نادیده‌انگاری شخصیت فاعل اخلاقی؛ (۴) دشواری در تخمین سود شامل (هولمز، ۱۳۸۲، ص ۵۴، ۱۹۱)؛ (۵) مشکل تحقق حداکثری سود؛ (۶) اشکال در دامنه مخاطب سود؛ (۷) توجیه وسیله به واسطه هدف؛ (۸) در برخی از موارد با شهودات آدمی ناسازگار است (صادقی، ۱۳۹۷، ص ۵۱).

به نظر می‌رسد، تمسک به غایت در تراحم‌های اخلاقی برای تعیین فعل اهم از مهم بکار

۱. «ما أفاء الله على رسوله من أهل القرى قلله وللرسول ولذي القربى واليتامى والمساكين وابن السبيل كي لا يكون دولة بين الأغنياء منكم وما آتاكم الرسول فخذوه وما نهاكم عنه فانتهوا واتقوا الله إن الله شديد العقاب».

۲. «و لکم فی القصاص حیاة یا اولی الألباب لعلکم تتقون».

می‌آید. لازم به ذکر است، توجه به پیامد عمل به عنوان ملاک داوری اخلاقی، نادرست است. بر اساس اصل علیت، فعل انسان دارای غایت است و غایت‌مندی در افعال، ارتباطی با طرح ملاک در حکم اخلاقی ندارد. با این وجود، بسیاری از اندیشه‌مندان، غایت و نتیجه افعال را به عنوان سنجه خوبی و بدی در ارزش‌هایی اخلاقی قلمداد کرده‌اند.

اشکال‌های فایده‌گروی از منظر قرآن

اشکال‌های قرآنی فایده‌گروی بدین صورت است:

۱. همان‌گونه که ذکر شد، نظریه‌های غایت‌گرا در تنافی کامل با حُسن و قُبْح ذاتی است و تقریری روشن از مسئله در ذیل پاسخ نخست اشکال نظریه خودگروی اخلاقی در قرآن، ارائه شد.
۲. به نظر می‌رسد وجود آیات ناظر به سودگروی اخلاقی، بیشتر رویکرد انگیزشی در قرآن دارد و اساساً در پی ارائه ملاک برای تعیین و تشخیص ارزش اخلاقی افعال نیست.
۳. نگاه تک‌بعدی به قرآن، زمینه‌ساز تفسیر به رأی است.

نکات اساسی بحث

در این بخش برای تبیین روشن‌تر از سودگروی در قرآن، به طرح برخی از نکات و نقد و بررسی آنها پرداخته شده است:

اتخاذ سود اُخروی در تعریف سودگروی: برخی از اندیشمندان برای حلّ مشکل سودگروی در قرآن، با بسط دامنه سود از سود جاودان و برین یاد کرده و اشکال اساسی سودگرایی رایج را انحصار‌انگاری آن در سود دنیوی ابراز می‌دارند (نک: نصیری، ۱۳۸۹). به گفته نصیری، اگر در نظریه سودگرایی، سود اُخروی هم‌سنگ با سود دنیوی لحاظ شود، در مجموع می‌توان از نظریه مزبور دفاع کرد. به بیان آشکارتر، به دید وی، عملی ارزشمند است که بیشینه سود دنیوی و اُخروی را برای بیشترین افراد در پی داشته باشد.

در حالیکه به نظر می‌رسد، با اتخاذ قید «ضرورت تأمین سود اُخروی» مؤلفه‌ای بنیادی در تعریف نظریه سودگروی خدشه‌دار می‌شود. به دیگر سخن، با بسط دامنه سود و درج سود اُخروی، قید «سود بیشترین افراد» در تعریف بنّامی از نظریه سودگروی اخلاقی، مغفول می‌ماند (بیک‌حرفه، ۱۳۹۴، ص ۴۶). با نادیده‌انگاری قید پیش‌گفته، می‌توان نظریه سودگروی را در ذیل نظریه

خودگروی اخلاقی ارزیابی کرد.

جلب رضایت الهی در سود برین: به گمان وی، دو شرط اصلی در تأمین سود برین وجود دارد؛ الف) جلب رضایت خداوند؛ ب) عدم نقض سود و حقوق افراد جامعه؛ در حالی که با افزودن قید «رضایت الهی» قید «بیشترین سود برای بیشترین افراد» از معنا تهی می‌شود. در واقع، قید «رضایت الهی» اعم از جلب سود بیشترین افراد و یا غیر آن است. به نظر می‌رسد، قید «رضایت الهی» بیشتر ناظر به فاعل اخلاقی و نه بیشترین افراد است. فارغ از مباحث نظری پیرامون چیستی ماهیت رضایت الهی، نیل به این مهم در جوامع متکثر در حیطه کنش‌های اجتماعی، به نظر قدری دشوار می‌نماید.

با این وجود، در نظریه برین سودگرایی منبع و منشأ درک بیشترین سود آخروی برای بیشترین افراد در آخرت چگونه است؟ صرف نظر از امکان ارائه سنجه بیشترین سود برای بیشترین افراد، آیا در واقع، و نفس الامر ملاک راستگویی و دروغ‌گویی در آموزه‌های دینی و به ویژه معارف قرآنی، بیشینه سود دنیوی و آخروی برای بیشینه افراد است؟

قُرب‌گروی: یکی از نکاتی که لازم است در نظریه سودگروی دینی به بحث گذارده شود، کاوش پیرامون چیستی ماهیت قُرب الهی است. به نظر می‌رسد، نظریه قُرب‌گروی با مشکل ارائه معیار عینی و کاربردی در ارزش‌های اخلاقی مواجه است. ملاک در این نظریه آن است که عمل موجّه اخلاقی، باید منتهی به قُرب الهی شود.

در صورتی که سؤال اساسی بدین شکل است که چه عملی زمینه‌ساز قُرب الهی است؟ در پاسخ، باید گفت: اولاً، رجوع به دین برای فهم عمل زمینه‌ساز قُرب الهی، ص حیح نیست. چه این که پذیرش همه عقاید و باورهای دینی منوط به فهم اخلاقی از اوصاف خداوند و به تبع آن اوصاف شخص نبی (ع) است و بدون فهمی از ارزش‌های اخلاقی، اساساً باور به خداوند و پذیرش رسالت شخص پیامبر اکرم (ص) شکل نمی‌گیرد.

ثانیاً، باید توجه داشت که سخن از رجوع به مستقلات عقلیه برای درک عمل زمینه‌ساز قُرب نیز با مشکل مواجه است؛ زیرا توجه به مسئله حُسن و قُبیح ذاتی در تنافی با نظریه سودگروی است. به سخن دیگر، با پذیرش حُسن و قُبیح‌گیری و نه ذاتی، افعال ذاتاً برخوردار از معنای ارزشی نبوده و برای تعیین ارزش آن باید به سنجه قُرب الهی متمسک شد که در این صورت، به نظر می‌رسد مشکل همچنان باقی است.

با توجه به آنچه گفته آمد، به نظر می‌رسد نتیجه‌گرایی قرآنی - به لحاظ هستی‌شناختی - با



نظریه‌های غایت‌گرا و نتیجه‌محور متمایز است. با این توضیح که نتیجه‌گرایی در قرآن بر خلاف غایت‌گرایی اخلاقی، بیشتر مبتنی بر پیامدهای اخروی اعمال استوار است (سوره اعراف، آیه ۳۱، سوره بقره، آیه ۵۷، سوره روم، آیه ۲۱).



نمودار شماره ۳

وظیفه‌گرایی اخلاقی^۱

بر پایه وظیفه‌گرایی، فاعل اخلاقی صرفاً در پی عمل به تکلیف است (موحدی، ۱۳۸۹، ص ۹۶). تکلیف مذکور، برآیند سنجش سود و زیان فرد، دیگران و عموم افراد شمرده نمی‌شود. به بیان دیگر، وظیفه‌گروان ملاک خوبی و بدی را در خود عمل یافته و به عامل بیرونی تعیین ارزش اخلاقی افعال، بی‌اعتنا هستند. وظیفه‌گروان با قبول نتیجه و غایت افعال، به انکار ملاک‌انگاری آن برای ارزش‌های اخلاقی پرداخته‌اند (Tannsjo, 2002, p. 48)، بنای وظیفه‌گرایی به نوعی بر حُسن و قُبُح ذاتی افعال، نهاده شده است (هولمز، ۱۳۸۲، ص ۶۵). به سخن دیگر، آدمی باید به گونه‌ای بزید که غایت آنچه برای فرد و چه برای دیگران منفعت و خیر در پی داشته باشد (هولمز، ۱۳۸۲، ص ۲۴۲).

شواهد قرآنی وظیفه‌گرایی اخلاقی

در این راستا، می‌توان شواهدی از آیات شناسایی کرد که افزون بر ارزیابی وظیفه افراد نسبت به فعل اخلاقی، به حُسن و قُبُح ذاتی آن اِشعار دارد: آیات ناظر به برپایی قسط (سوره نساء، آیه ۱۳۵، سوره



1. deontologism

مانده، آیه ۸، سوره اعراف، آیه ۲۹، عدل و احسان (سوره نحل، آیه ۹۰)، امر به عفو (سوره اعراف، آیه ۱۹۹)، سفارش به وحدت و هم‌بستگی (سوره آل عمران، آیه ۱۰۳)، توصیه به مناسبات نیک اجتماعی و ضرورت دوری از خصومت (سوره مائده، آیه ۲) و آیاتی که رذائل اخلاقی را نام برده و وظیفه فرد مؤمن را آشکار می‌سازد؛ نظیر بدگمانی، تجسس در امور افراد، غیبت، استهزاء و تمسخر (سوره حجرات، آیه ۱۱-۱۲). به نظر می‌رسد وظیفه‌گرایی اخلاقی، در جایگاه بالاتری نسبت به غایت‌گروی اخلاقی قرار دارد. با این همه، اگر چه برخی از آیات موهم نسبی‌گرایی اخلاقی است^۱، اما به نظر می‌رسد، بتوان در پاسخ دو احتمال را ذکر کرد: الف) تغییر موضوع فعل اخلاقی که منجر به تغییر حکم می‌شود؛ ب) به بحث اهم و مهم در تراجم‌های اخلاقی ناظر باشد.

اشکال‌های وظیفه‌گروی از منظر قرآن

پوشش ناکافی ساحات وجودی: لازمه تمرکز بر وظایف اخلاقی، نادیده‌انگاری دیگر ساحات وجودی انسان نظیر هیجانات و احساسات آدمی است. برآیند این دیدگاه، ارائه تصویر خشک و بی‌روح از نظریه اخلاقی قرآن‌محور است.

نگاه جزیره‌ای به آیات: انگیزش اخلاقی در قرآن صرفاً به وظیفه‌گروی اخلاقی محدود نشده و مجموع آیات از عوامل انگیزشی متعدد، بهره برده است.

خلأ عشق و محبت: در مراحل و سطوح بالاتر معرفت قرآنی، مهرورزی و محبت به ساحات ربوبی از جایگاه منحصر به فردی برخوردار است.^۲ در وظیفه‌گروی صرف، دسترسی به سطوح مذکور جداً دشوار می‌نماید.

البته، ناگفته نماند وفق تقریر هولمز از وظیفه‌گروی، آدمی نباید از دیگران به مثابه ابزار برای نیل به اهداف خویش، بهره برد و یا با فریب و اغوای دیگر افراد به غایات مدّ نظر خود دست یابد. به تعبیر دیگر، باور به امر مطلق در وظیفه‌گروی کانتی، ابزارانگاری دیگران را برای نیل به هدف شخصی ناپسند است. به گفته هولمز، زمانی آدمی می‌تواند به اراده خیر دست یابد که تمایلات، امیال و آمال شخصی را محور تصمیمات خویش قرار ندهد (هولمز، ۱۳۸۲، ص ۲۴۲).

۱. «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعاً عَلِیماً» (نساء، آیه ۱۴۸) و همچنین آیه شریفه «مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أَكْرَهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ» (سوره نحل، آیه ۱۰۶).
۲. «وَ الَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبّاً لِلَّهِ» (سوره بقره، آیه ۱۶۵).



۲۴۵) با توجه به مطالب پیش گفته می توان گفت وظیفه گروهی کانتی گامی جدی در کسب آمادگی برای رشد و تکامل اخلاق الهی است.

اخلاق فضیلت

اخلاق فضیلت، بر خلاف دیگر نظریه های اخلاقی، مبتنی بر قاعده و معیار روشن نیست. تمرکز اصلی در این نظریه بر فاعل اخلاقی است؛ بدین صورت که هر فعلی که از انسان پاک و فضیلت مند صادر شود، پسندیده است. تأکید بر منش و شخصیت فاعل اخلاقی، شالوده اساسی نظریه مزبور است (Hursthouse, 2006, p. 13; Hooff, 1999, p. 4). تا کنون تقریرهای مختلفی از اخلاق فضیلت ارائه شده است. تقریر سعادت گروی ارسطویی و تقریر فاعل مبنای مایکل اسلوت، از مهم ترین آنها است (خزاعی، ۱۳۸۹، ص ۳۲) به گفته ارسطو شخص فضیلت مند آنچه خوب و فضیلت است، برمی گزیند، اما در تقریر اسلوتی از مسئله، افعال عاری از حُسن و قُبُح ذاتی انگاشته شده و ارزش اخلاقی افعال دائر مدار فاعل فضیلت مند است (Slote, 2001, p. 4).

شاخصه های اخلاق فضیلت: ۱. توجه به ملکات اخلاقی؛ ۲. تقدم مفاهیم خوبی و بدی بر الزام اخلاقی؛ ۳. توجه به انگیزه های درونی فاعل اخلاقی؛ ۴. تأکید بر الگوهای اخلاقی، (Hursthouse, 1999, p. 4). حال، هر چند می توان برای هر یک از شاخصه های اخلاق فضیلت، شواهدی از آیات قرآن ارائه کرد، اما توجه به ملکات و صفات پایدار فاعل اخلاقی، نقش درخور در اخلاق فضیلت ایفا می کند. از این رو، شواهد قرآنی بیشتر با تمرکز بر شاخصه اول ارائه می گردد (نک: دهقانی فیروزآبادی و علیزاده، ۱۳۹۸).

شواهد قرآنی فضیلت گروی

به نظر می رسد، شواهد قرآنی فضیلت گروی در آیات قرآن کریم بسیار نادر است. در این بخش به قدر ضرورت به برخی از آیات موهم فضیلت گروی اشاره می شود:

الف) شاکله: در آیه ۸۴ سوره اسراء، از شاکله انسان به عنوان عامل سازنده در افعال اخلاقی یاد شده است. در کتب لغت، معانی مختلفی برای واژه شاکله آمده است، اما با این وجود،

۱. «قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَى شَاكِلَتِهِ فَرُبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَى سَبِيلًا» (سوره اسراء، آیه ۸۴).

شاگله به معنای شخصیت، از اساسی‌ترین معنای واژه مزبور است. به علاوه، معنای شخصیت توأمان به جنبه‌های جسمی و روحی افراد اِشعار دارد. مطابق آیه فوق، انسان وفق هویت و شخصیت خویش که بر ساخته عوامل مختلف است، عمل می‌کند.^۱

ب) ایمان به مثابه شخصیت: از منظر آموزه‌های قرآن، ایمان تنها به معنای باور، عقیده و صفت رفتاری فرد مؤمن نیست، بلکه وصف ایمان ناظر به شخصیت فرد مؤمن است. بدین صورت، داستان حضرت نوح (ع) با پسر کافرش قابل توجیه است. در آیه ۴۶ سوره هود، شخصیت پسر نوح غیر صالح است و نه تنها عمل او.^۲

ج) شجره طیبه: از آیه ۲۴ سوره ابراهیم (ع) می‌توان برداشت کرد که شخصیت پاک، اصل در آسمان و فرع در زمین دارد.^۳

د) قلب سلیم: بر پایه آیه ۸۹ سوره شعراء، ملاک ارزش اخلاقی قلب سلیم و درون فرد است؛ زیرا در روز قیامت جز قلب و روح سلیم، مثمر ثمر نیست.^۴

ه) پارسایان: وفق آیه ۲۷ سوره مائده، آراستگی درون آدمی، سبب پذیرش اعمال معرفی می‌شود.^۵



نقد و بررسی فضیلت‌گروی

فقدان باور به حُسن و قُبْح ذاتی: فضیلت‌گروان با تأکید مضاعف بر ویژگی‌های فاعل اخلاقی از حُسن و قُبْح ذاتی افعال، غفلت ورزیدند (خزاعی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۶). لازم به ذکر است، در صورتی نقد مزبور وارد است که خوانش اسلوتی از اخلاق فضیلت‌ارائه شود و نه قرائت ارسطویی از مسئله. به تعبیر روشن‌تر، اگر چه در خوانش ارسطویی تمرکز بر ارزیابی عاملان اخلاقی است، اما به دلیل باور به حُسن و قُبْح ذاتی افعال، قائل به آن است که افراد غیر فضیلت‌مند نیز می‌توانند فعل درست انجام دهند (Slote, 1997, p. 244). در خوانش فاعل مبنای اسلوت، ارزیابی اخلاقی منوط بر

۱. عوامل ژنتیک، محیط تربیت، آداب و رسوم زندگی، هوش، استعداد و توانمندی، مزاج، فرهنگ زمانه، سن و میزان رشد، فهم و ادراک، احساسات و هیجانات و تحصیلات. برگرفته از کتاب فلسفه اخلاق در دایره عقل و دین اثر دکتر هادی صادقی.

۲. «قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ».

۳. «أَلَمْ تَرَ كَيْفَ صَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كُلِّ مَمَّةٍ طَيِّبَةٍ كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ».

۴. «إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ».

۵. «إِنَّمَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ».

ویژگی‌ها و روحیات فاعل اخلاقی است که در این صورت نقد مزبور به نظر قابل پذیرش است. فقدان قاعده و اصول اخلاقی و دشواری شناخت اسوه‌ها (خزاعی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۷). در پاسخ باید گفت که اخلاق فضیلت از منظر قرآن، تنها در خوانش اسلوت از اخلاق فضیلت محدود نمی‌شود. معارف قرآن با ارائه الگوهای اخلاقی و با تأکید بر آراستن نفس و ارائه قواعد مبتنی بر حُسن و قُبْح ذاتی، می‌کوشد آدمی به سعادت جاودان و قُرب الهی پایدار دست یابد. نخبه‌گرایی: مطابق تعریف اخلاق فضیلت، فاعل اخلاقی باید واجد ملکات والا و منش اخلاقی باشد تا ارزش اخلاقی فعل لحاظ شود و به نظر اصرار بر این نکته، افراد را با یأس مواجه می‌کند (صادقی، ۱۳۹۷، ص ۷۸).

در پاسخ به این مطلب می‌توان گفت؛ مکانیسم رشد و تکامل معنوی از منظر قرآن، در ابتدا با انگیزه‌های غایت‌گروانه آغاز و با گذر از رویکرد وظیفه‌گروانه، سعی در فضیلت‌مند شدن انسان دارد. هرچند که قرآن از ابزار فضیلت‌مندی برای نیل به قُرب حب و رضوان الهی بهره می‌برد. فقدان نگرش جامع: در نگاه بدوی چنان به نظر می‌رسد که اخلاق فضیلت، نسبت به سعادت، فلاح و فوز آدمی بی‌اعتنا است، اما لازم به ذکر است، از منظر آموزه‌های قرآن، انسان فضیلت‌مند افزون بر آن که فعل درست را برمی‌گزیند، توأمان سعادت، فلاح و فوز خویش را سامان می‌دهد.

آیات راهبردی در مسئله

منظور از آیات راهبردی، توجه به آیاتی است که در فهم بهتر و ژرف نظام اخلاقی قرآن مؤثر است. آیات راهبردی به مثابه راهنما، ضمن توجه به جایگاه تمایزها و استعدادها متنوع بشری در نظام اخلاقی قرآن به فهم دقیق‌تر مراتب چهارگانه مفاهیم اسلام و ایمان در قرآن، یاری می‌رساند. آیات راهبردی به شرح ذیل است:

۱. آیه ۸۴ سوره اسراء از آیه‌های راهبردی در درک بهتر موضوع بهره‌مندی انسان‌ها از سطوح مختلف معرفتی و انگیزشی است.^۱ در کتب لغت، معانی متعددی برای واژه «شاکله» آمده است. ساختار بدنی و روانی، طبیعت، طینت، نیت، عادت‌های اکتسابی، شخصیت، خلق و خو

۱. «قُلْ كُلُّ يُعْمَلُ عَلٰی شَاكِلَتِهٖ»

و روش اخلاقی، از جمله این معانی است. در مجموع می‌توان گفت، تعاریف مزبور به دو ویژگی جسمی و روانی انسان اِشعار دارد (صادقی، ۱۳۹۷، ص ۱۹۸).

۲. در برخی از آیات^۱ به لزوم وجود روش‌ها و مسلک‌های متعدد اشاره شده است. خداوند متعال در آیه مزبور، تعدد در روش و مسلک را می‌پذیرد و یگانه انگاری امت‌ها را مورد نقد قرار می‌دهد (صادقی، ۱۳۹۷، ص ۲۰۱). هر فرد با توجه به ویژگی‌های منحصر به فرد معرفتی، به سبقت در کارهای خیر توصیه شده است. افزون بر آن، به نظر می‌رسد، تمام انسان‌ها در پرداختن به نظریه‌های اخلاقی، قادر به عمل یکسان و قضاوت اخلاقی واحد در ارزش‌های اخلاقی نباشند.

۳. در آیه ۶۹ سوره عنکبوت،^۲ تعدد راه‌های قُرب به خدا با توجه به ویژگی افراد، مورد تأکید آیه است. هرچند در آیه مزبور، راه‌های سعادت متنوع ذکر می‌شوند، اما به طور کلی، همگی در راستای عبودیت و در پیوند با حضرت حق قرار دارند.

۴. مطابق آیه ۴۷ سوره انبیاء،^۳ موازین جمع میزان به مثابه تعدد در ملاک احکام اخلاقی است. برخی از مفسران، از معیارهای متعدد برای سنجش اعمال آدمی یاد می‌کنند. به سخن دیگر می‌توان گفت، اعمال افراد با معیار یکسان و واحد مورد ارزیابی قرار نمی‌گیرد (صادقی، ۱۳۹۷، ص ۲۰۳) به علاوه، ص احب تفسیر اطیب البیان وسع انسان را در معنای میزان لحاظ می‌کند و میزان هر چیزی را مناسب آن می‌داند و از یک میزان معین و مشخص برای ارزیابی تمام امور یاد نمی‌کند (طیبی، ۱۳۷۸، ج ۹، ص ۱۸۶).

۵. آیات با مضمون وسع انسانی «لَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا» (سوره انعام، آیه ۱۵۲؛ سوره اعراف، آیه ۴۲؛ سوره مؤمنون، آیه ۶۲) و آیات با محتوای حُسن و قُبْح عقلی.

نکته اساسی در نظام اخلاقی قرآن

با توجه به آیات راهبردی در مسئله، آدمی بهره‌مند از ساحات وجودی متعدد است، از این رو،

۱. «لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَ مِنْهَا جَا وَ لَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَ لَا كِنَ لِيُبَلِّغُكُمْ فِي مَاءِ آتَانِكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ» (سوره مائده، آیه ۴۸).

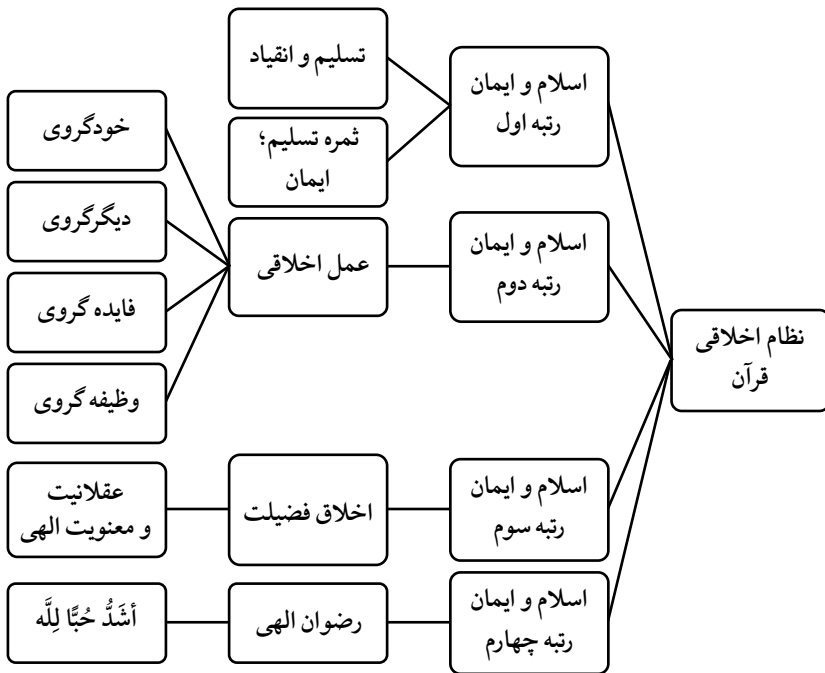
۲. «الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ».

۳. «وَ نَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ».



نظریه‌های تک‌معیاری در اخلاق قادر به تأمین نیازهای متنوع انسان نیست. افزون برآن، ضروری است آدمی با طی طریق و با سپری کردن مراحل تکامل اخلاقی به مراتب بالای ایمان و یقین دست یابد. به نظر می‌رسد آموزه‌های قرآن با رعایت وسع افراد، برای هر درجه از مرتبه ایمان، معیار اخلاقی متناسب با آن مرحله ارائه می‌دهد.

با توجه به این مطلب، آموزه‌های قرآن مراتبی را برای نیل آدمی به ارزش‌های اخلاقی در نظر دارد. علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان از چهار رتبه اسلام و ایمان یاد می‌کند. کاربست این مراحل، به تدریج اخلاق انسانی را فربه می‌کند تا جایی که آدمی عمل اخلاقی را جز برای رضوان، رضایت و حب الهی صورت نمی‌دهد.



نمودار شماره ۴. نظام اخلاقی قرآن؛ مراتب اسلام و ایمان

۱. اسلام و ایمان رتبه اول؛ معنای ظاهری

اگر چه مفسران معانی گوناگون برای واژه «اسلام» می‌نویسند، اما می‌توان تمام آن معانی را در سه

محور عمده فهرست کرد؛ الف: اسلام به معنای دین مبین اسلام ب: اسلام به معنای انقیاد مطلق نسبت به فرامین الهی ج: اسلام ظاهری در برابر ایمان باطنی (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۲۷). با رویکرد هستی‌شناسانه واژه اسلام در معنای سوم آن، پیوسته مقدم بر ایمان است. فرد با گردن نهادن به اوامر و نواهی الهی، از ثمرات آن، یعنی ایمان و پذیرش باطنی بهره‌مند می‌گردد (اسلام اول= ایمان اول). در نتیجه، می‌توان گفت؛ هر ایمانی اسلام را در بردارد، ولی هر اسلامی برخوردار از ایمان نیست (رابطهٔ عموم و خصوص مطلق).

۲. اسلام و ایمان رتبهٔ دوم؛ متخلق به اخلاق (خودگروی، دیگرگروی، فایده‌گروی و وظیفه‌گروی)

در گام بعد، اسلام و ایمان رتبهٔ دوم پدیدار گشته و فرد در این رتبه متخلق به ارزش‌های اخلاقی است. خودگروی، دیگرگروی، سودگروی و وظیفه‌گروی از جمله گرایش‌های اخلاقی این رتبه است. در این راستا، پس از ایمان مرتبهٔ اول، اسلام مرتبهٔ دوم و به تبع، ایمان آن رتبه آشکار می‌شود. فرد با گردن نهادن به دستورات الهی، پای در مرتبهٔ دوم اسلام و ایمان می‌گذارد و با پشتوانه نظری در باور، اخلاقی عمل می‌کند. در این مرحله، فرد با تغییر نگرش و تقویت خضوع و کرنش در مقابل فرامین الهی به دنبال بهبود کنش‌های فردی و اجتماعی خویش است. آدمی در این رتبه با تمرکز بر غایات و محرکات متنوع عمل در قرآن، سعی در عمل اخلاقی دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۵۵).

از سوی دیگر، آیات قرآن با پذیرش تمایزهای آدمی در وسع، استعداد، سطوح ادراکی، محیط تربیتی، عوامل ژنتیکی و در یک کلام توجه به شاکله انسان، زمینه را برای عمل به هر یک از نظریه‌های اخلاقی فراهم می‌آورد و می‌کوشد فرد مرحله به مرحله گام‌های رشد و ارتقای معنوی را طی کند تا پذیرای مراحل بالاتر از ایمان و یقین شود. برخی از افراد با خودگروی اخلاقی، برخی با دیگرگروی و برخی با توجه به سودگروی و وظیفه‌گروی در پی رشد و تکامل اخلاقی و معنوی خویش‌اند.

۳. اسلام و ایمان رتبهٔ سوم؛ اخلاق فضیلت

پس از ایمان مرتبهٔ دوم، اسلام مرتبهٔ سوم و به تبع، ایمان آن رتبه نمایان است. فاعل اخلاقی با تمرین و ممارست در ارزش‌های اخلاقی، جان خویش را از قید و بند قوای بهیمی و سبعی



می‌رهند. به سخن دیگر، در این مرحله، آدمی با اجتناب از هوی و هوس دنیوی، تمایلات خویش را در ذیل چتر عقلانیت و معنویت الهی پوشش می‌دهد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ۴۵۵).
باری، فاعل اخلاقی در این رتبه تمام استعدادها و ظرفیت‌های درونی و بیرونی خود را جهت تأمین فرامین الهی بکار می‌بندد و می‌کوشد مطابق فرامین او بزیسد. به نظر می‌رسد، آیات ۶۵ - ۶۷ سوره نساء به رتبه ۳ ایمان ناظر است. ^۱ هم‌چنین آیات ۱ الی ۳ سوره مؤمنون و آیه ۱۳۱ سوره بقره به مطلب مذکور اشعار دارد. بنابراین، افعال فرد مؤمن مبتنی بر خشنودی خداوند شکل می‌یابد و تمام ساحات وجود آدمی در جهت رضایت الهی قرار می‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۵۶).

۴. اسلام و ایمان رتبه چهارم؛ رضوان الهی

پس از ایمان مرتبه سوم، اسلام مرتبه چهارم و به تبع آن، ایمان آن رتبه بروز می‌کند. در این رتبه، فاعل اخلاقی با دستیابی به سطح ویژه از معرفت و شعور الهی به انقیاد محض و کامل در برابر حضرت حق می‌پردازد. ثمره اسلام محض در این رتبه، افاضه ایمان شایسته این مرحله است که فرد به غیر از وجود خداوند به هیچ قدرت و عزت دیگر، قائل نیست. حاصل چنین نگرشی وجود عشق، اطمینان و آرامش خاطری بی‌همتا است که در هر دو گیتی جریان دارد. آیات ۶۲ و ۶۳ سوره یونس را می‌توان در ارتباط با این رتبه تحلیل کرد. ^۲ این مرحله در نظریه‌های اخلاقی رایج در فلسفه اخلاق وجود ندارد و از ویژگی برجسته معارف قرآنی است. لازم به ذکر است، لازمه این مرحله فنای در عشق الهی است. ^۳ وفق نظر علامه طباطبایی، محبت و عشق یک رابطه وجودی میان علت و معلوم و دارای شدت و ضعف در یک نظام طولی و نه عرضی است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۱۲).

نتیجه‌گیری

پژوهش پیش رو با هدف بازخوانی نظام اخلاقی قرآن به رشته تحریر درآمد. بدین منظور پس از

۱. «فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ...»

۲. «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ» (سوره یونس، آیه ۶۲-۶۳).

۳. «وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ» (سوره بقره، آیه ۱۶۵).

جست و جو در نظریه‌های اخلاقی نظیر؛ خودگروری، دیگرگروری، فایده‌گروری و وظیفه‌گروری و اخلاق فضیلت، به نقد و بررسی هر کدام و سنجش آنها با آیات قرآن پرداختیم. مطابق نتایج بدست آمده، به نظر می‌رسد نظام اخلاقی قرآن فراتر از مکاتب و یا نظریه‌های اخلاقی در فلسفه اخلاق است و محدود به آنها نیست. با این وجود، آموزه‌های قرآن با استعانت از ظرفیت‌های هر نظریه می‌تواند نظام اخلاقی منحصر به فرد خود را ارائه دهد.

در این راستا، با نظر به مفاهیم تشکیکی «اسلام» و «ایمان» در قرآن روشن شد، آموزه‌های قرآن ضمن توجه به سطوح و تمایزات متنوع بشری، تربیت و تکامل معنوی و الهی را ذومراتب می‌داند. به سخن دیگر، به نظر می‌رسد رشد معنوی در آدمی با توجه به سطح ادراکی و ایمانی افراد، از تمایلات مربوط به حُب ذات یا خودگروری آغاز و با طی مراحل دیگرگروری، سود حداکثری و وظیفه‌گروری به اخلاق فضیلت دست می‌یابد. هم‌چنین روشن شد، مراحل بالاتری از اخلاق و رشد معنوی در قرآن ترسیم شده است که آدمی می‌تواند عشق ازلی و بی‌کران الهی را درک کرده و فانی در حق شود.



فهرست منابع

- ابن فارس، احمد بن زکریا. (۱۹۷۹م). معجم مقاییس اللغة. (محقق: عبد السلام محمد هارون). قم: دارالفکر.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. (۱۴۱۴ ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- پالمر، مایکل. (۱۳۸۸). مسائل اخلاقی. (ترجمه: علیرضا آل‌بویه). تهران: انتشارات سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
- بیک حرفه، شیرزاد. (۱۳۹۴). فایده‌گرایی. تهران: انتشارات نگاه معاصر.
- خزاعی، زهرا. (۱۳۸۹). اخلاق فضیلت. تهران: انتشارات حکمت.
- داروال، استیون. (۱۳۸۱). نگاهی به فلسفه اخلاق در سده بیستم. (ترجمه: مصطفی ملکیان). تهران: انتشارات سهروردی.
- ریچلز، جیمز. (۱۳۸۹). فلسفه اخلاق. (ترجمه: آرش اخگری). تهران: انتشارات حکمت.
- شیروانی، علی. (۱۳۸۴). اخلاق در قرآن. قم: انتشارات دار الفکر.
- صادقی، هادی. (۱۳۹۷). فلسفه اخلاق در دایره عقل و دین. قم: انتشارات مؤسسه فرهنگی طه.
- صادقی، هادی؛ خوانساری، محمدمین. (۱۳۸۸). دیگرگرایی اخلاقی منظری قرآنی. پژوهشنامه اخلاق. ۳ (۳۲) ۹.

صادقی، هادی؛ پاشایی وحید. (۱۳۹۷). خودگرایی؛ نگاهی قرآنی، آموزه های قرآنی. ش ۲۸. کربلایی پازوکی، علی؛ موسوی راد، سید جابر. (۱۴۰۱). بررسی و تحلیل دیدگاه آیه الله مصباح یزدی درباره ملاک اعتبار گزاره های اخلاقی. فصلنامه اخلاق پژوهی. ش ۴. طباطبایی، سید محمد حسین (علامه طباطبایی). (۱۴۱۷ ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. طیب، سید عبدالحسین. (۱۳۷۸). اطیب البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات اسلام. فرانکنا، ویلیام. (۱۳۸۰). فلسفه اخلاق، تهران: انتشارات حکمت. کاپالدی، نیکولاس. (۱۳۸۳). بنیام و میل و مکتب فایده گرایی. تهران: انتشارات اقبال. موحدی، محمد جواد. (۱۳۹۸). وظیفه گرایی و پیامد گرایی در اخلاق. تهران: انتشارات نگاه معاصر. نیگل، تامس. (۱۳۹۵). امکان دیگرگزینی. (ترجمه: جواد حیدری). تهران: انتشارات نگاه معاصر. هولمز، رابرت ال. (۱۳۸۲). مبانی فلسفه اخلاق، (ترجمه: مسعود علیا). تهران: انتشارات ققنوس.

Hursthouse, R. (1998). Normative Virtue Ethics. In *How Should One Live?*. Oxford University Press.

Slote, M. (2001). *Morals From Motives*. Oxford: Oxford University Press.

Slote, M. (1997). Agent-Based Virtue Ethics. In *Virtue Ethics*, eds. R. Grip and M. Slote. Oxford: Oxford University Press.

Tannsjo, Torbjorn (2002). *Understanding Ethics*. Edinburgh: Edinburgh University Press, 1st Edition.

